

مطالعه تطبیقی عقیم شدن قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا*

هدایت فرخانی

دکتری حقوق نفت و گاز دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

مجید قربانی لاجوانی**

استادیار گروه حقوق دانشکده نفت دانشگاه صنعت نفت تهران، تهران، ایران

سپیده عساریان

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه بین‌المللی خلیج فارس، خرمشهر

ایران

چکیده

قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز از مهم‌ترین قراردادهای عمومی است که دارای جنبه‌های فنی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، مالی، سیاسی و زیست‌محیطی است. در خلال اجرای قرارداد، امکان توقف یا ایجاد مانع به علت وقوع معاذیر قراردادی وجود دارد. در این تحقیق با مطالعه قراردادهای بالادستی نفتی در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا، وضعیت عذر قراردادی عقیم شدن قرارداد یا فراستریشن را از منظر مفهوم و مبنا، شرایط و آثار و ضمانت اجرا مورد بررسی قرار داده‌ایم. نتایج بررسی نشان می‌دهد عقیم شدن یا انتفای قرارداد به‌عنوان مهم‌ترین عذر قراردادی در قراردادهای بالادستی منعقد در نظام حقوقی کامن‌لا به رسمیت شناخته شده و وقوع عوامل عقیم‌کننده سبب خاتمه قرارداد می‌گردد. در نظام حقوقی ایران، عقیم شدن قراردادها با شرایط و اوصاف نظام کامن‌لا به رسمیت شناخته نشده، ولی مصادیقی را می‌توان یافت که ناشی از توجه به این عذر قراردادی در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز است. ماهیت و ویژگی‌های خاص این قراردادها سبب می‌گردد مدیریت حقوقی قرارداد برای ادامه حیات آن در اولویت اصلی طرفین باشد و آثار و ضمانت‌اجراهای عقیم شدن قرارداد نیز متناسب با اوصاف و ویژگی‌های خاص این قراردادها تحلیل گردد.

واژگان کلیدی: خاتمه قرارداد، صنعت نفت و گاز، عقیم شدن، قراردادهای بالادستی، معاذیر قراردادی.

* مقاله پیش‌رو برگرفته از رساله دکتری با عنوان «معاذیر تعهدات قراردادی در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در نظام حقوقی ایران و کامن‌لا» است.

** نویسنده مسئول

Email: m.ghorbani@put.ac.ir

تاریخ دریافت: ۴ اردیبهشت ۱۴۰۱، تاریخ تصویب: ۱۹ دی ۱۴۰۱

DOI: 10.22059/JRELS.2023.339068.484

© University of Tehran

مقدمه

در مناسبات و ارتباطات اقتصادی و حقوقی پیچیده و مرتبط امروزی، همواره امکان بروز تغییرات در جنبه‌های مختلف حاکم بر یک رابطه حقوقی وجود دارد. گاهی بروز اتفاقات و تغییر اوضاع و احوال و شرایط قراردادی آن‌چنان مؤثر است که سبب ناممکن شدن اجرای قرارداد می‌گردد (فرخانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۶۶). پیچیدگی، عدم قطعیت‌ها و بی‌ثباتی‌ها در صنعت نفت و گاز در بخش بالادستی، یعنی مراحل اکتشاف، توسعه و تولید، همواره وجود داشته است. طولانی‌مدت بودن این قراردادها، لزوم صرف هزینه‌های سنگین و سرمایه فراوان، عدم قابلیت پیش‌بینی رفتار مخزن و بازار، وجود ریسک‌های بالقوه و بالفعل زیاد و عدم اطمینان، اهمیت امنیتی و راهبردی نفت و گاز در عرصه بین‌المللی، دخالت بازیگران متعدد خصوصی، دولتی و شرکت‌های فراملیتی، مسائل حاکمیتی و دولتی، عمومی و مردمی بودن منابع نفت و گاز در برخی کشورهای صاحب منابع، سبب شده قراردادهای مرتبط با بخش بالادستی صنعت نفت و گاز نسبت به سایر قراردادهای عمومی (غیرنفتی) و قراردادهای بخش پایین‌دستی، از تفاوت‌ها و تمایزات عمده‌ای برخوردار باشد و احتمال تغییر شرایط و اوضاع و احوال بر انعقاد قرارداد، وقوع تغییرات، حوادث و اتفاقات و وقایع و معاذیر و موانع اجرای قرارداد در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فنی، مالی، حقوقی، زیست‌محیطی، فناوری، اجتماعی و... در طول دوره حیات قرارداد به صورت بالقوه وجود داشته باشد.

در این تحقیق با نگاهی تحلیلی، توصیفی و تطبیقی به بررسی عذر قراردادی عقیم شدن قراردادها در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز در کشور ایران و کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا پرداخته‌ایم. ضرورت انجام این تحقیق از آن روست که با توجه به ماهیت خاص و ویژگی‌های منحصر به فرد قراردادهای بالادستی نفتی از منظر هزینه و سرمایه‌های مورد نیاز، مدت زمان اجرای قرارداد، ریسک‌ها و خطرات بالقوه و بالفعل فعالیت‌های بالادستی نفتی، وقوع حالت عقیم شدن قرارداد در طول دوره حیات آن، احتمالی و امکان‌پذیر بوده و باید بررسی کرد که مفهوم، مصادیق و ضمانت اجرای عقیم شدن قرارداد در قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران و کامن‌لا چیست؟ با توجه به اندک بودن ادبیات حقوقی در موضوع تحقیق پیش‌رو، ضرورت دیگر انجام تحقیق، ایجاد ادبیات و مستند حقوقی تطبیقی درباره موضوع است.

درباره موضوع عقیم شدن قراردادها، به‌عنوان عذر عدم اجرای تعهدات قراردادی، مقالات و آثار علمی گوناگونی در نظام حقوقی ایران و دیگر نظام‌های حقوقی به نگارش درآمده است که برخی از آنان در بخش منابع این تحقیق مورد اشاره قرار گرفته‌اند. تمایز و افتراق تحقیق حاضر با تحقیقات انجام‌شده، آن است که تحقیق پیش‌رو به صورت جزئی و دقیق، قراردادهای

بالادستی صنعت نفت و گاز را مورد مطالعه قرار داده و جامعه هدف آن نیز دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لاست. به سخن دیگر، هم از جهت موضوع و هم جامعه هدف و هم مستندات مورد اشاره با تحقیقات انجام‌شده دیگر دارای تفاوت است.

در این تحقیق در پی پاسخ به این پرسش هستیم که عقیم شدن قراردادها یا فراستریشن در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز، چه آثار و ضمانت‌اجراهایی دارد و تفاوت‌های این عذر قراردادی در قراردادهای مورد مطالعه، نسبت به قراردادهای عمومی (غیراداری و غیرنفتی) از منظر مفهوم و مبنا، اوصاف و ویژگی‌ها و آثار و ضمانت‌اجراها در دو نظام حقوقی ایران و کامن‌لا چیست؟ فرضیه اصلی این تحقیق، آن است که آثار و ضمانت‌اجرای عقیم شدن قراردادها در قراردادهای بالادستی نسبت به سایر قراردادها متفاوت باشد و اصل بر مدیریت ریسک‌ها و خطرات و ادامه حیات قرارداد در مدت زمان مورد توافق است؛ مگر در صورت عدم امکان ادامه قرارداد یا زیان‌بار بودن آن برای طرفین قرارداد.

برای پاسخ به پرسش‌های تحقیق، افزون بر بررسی دو نظام حقوقی مورد مطالعه، مفاد قراردادهای نفتی بالادستی منعقدشده یا قراردادهای استاندارد و همسان موجود در آن‌ها را بررسی کرده‌ایم. روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای بوده و بیش‌تر از کتاب‌ها و مقالات داخلی مرتبط و منابع الکترونیکی و دیجیتالی خارجی مرتبط با موضوع استفاده شده است. مطالب تحقیق در چند گفتار مشتمل بر مفهوم و مبنا، ویژگی‌ها و آثار و ضمانت‌اجراهای عقیم شدن قرارداد سامان یافته است. تکیه اصلی این تحقیق بر بررسی موضوع در قراردادهای بالادستی نفتی بوده و از ورود به قراردادهای غیرنفتی خودداری شده است. نویسندگان با بررسی قراردادهای بالادستی این دو نظام، با دیدگاهی تحلیلی، توصیفی و تطبیقی، وضعیت شرط فورس‌ماژور در آن‌ها را مورد واکاوی قرار داده‌اند.

۱. مفهوم و ماهیت عقیم شدن قراردادها در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز

در حقوق انگلستان قاعده تقدس قراردادها باعث شده است که اکثر تعهدات ناشی از قرارداد، از دیدگاه قانون مطلق^۱ فرض شود؛ بدین معنا که حوادث غیرمترقبه هیچ‌گونه بهانه‌ای برای عدم انجام تعهد به‌شمار نمی‌رود. این قاعده همان اصل لزوم قراردادهاست. اما این اصل، استثنائاتی دارد. دکترین عقیم شدن قراردادها^۲، یکی از نظریه‌های قدیمی ارائه‌شده در نظام حقوقی کشور انگلستان است. براساس نظریه یادشده، هرگاه در طول اعتبار قرارداد، بدون تقصیر طرفین،

1. Absolute contract

2. Doctrine of Frustration

واقعه‌ای رخ دهد که ادامه اجرای قرارداد را ناممکن یا غیرقانونی سازد یا آن‌چنان تغییرات اساسی در اوضاع و احوال ایجاد کند که در نتیجه آن، قرارداد به چیزی کاملاً متفاوت با آنچه در ابتدا متعهد شده بود، تبدیل گردد، قرارداد خودبه‌خود به پایان خواهد رسید (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷: ۱۸۱). آنچه در این قاعده دارای اهمیت است، اصل اجرای قرارداد است و این‌که آیا متعهد تعهدات خود را احراز نموده است یا خیر؟

معادل Frustration در فارسی به معنای عقیم کردن، ختنی کردن، هیچ کردن، ناامید کردن و فاسد شدن آمده است (Garner, 2004: 67). خود کلمه Frustration به معنای عقیم‌گذاری، ختنی‌سازی، محروم‌سازی، ناامیدی، محرومیت و عجز ترجمه شده است (Haim, 2003: 248). در فرهنگ حقوقی بهمن، عقیم شدن قرارداد بدین‌صورت تعریف شده است: «خاتمه غیرقابل پیش‌بینی یک قرارداد در اثر واقعه‌ای که سبب غیرممکن یا غیرقانونی شدن آن می‌شود و یا مانع از حصول هدف اصلی آن گردد» (آقایی، ۱۳۸۵: ۵۹۸). در حقوق ایران، نظریه عقیم شدن قرارداد به صورت مستقل در متون قانونی دیده نمی‌شود، بلکه برخی شرایط و آثار آن به صورت پراکنده در بعضی قوانین آمده است؛ از جمله ماده ۲۲۹ قانون مدنی به غیرقابل اجتناب بودن حادثه، ماده ۲۲۷ همین قانون به خارجی بودن حادثه و این‌که قابل انتساب به متعهد (مدعی عقیم شدن) نباشد و نیز ماده ۲۴۰ همان قانون به متعذر بودن یا شدن شرط ضمن عقد اشاره کرده است. به سخن دیگر، در قانون مدنی ایران، زوال عقد به مفهومی که در حقوق انگلیس تحت عنوان «عقیم شدن قرارداد» آمده است، وجود ندارد. به بیان دیگر، نتیجه تعذر اجرای قرارداد و تعهدات ناشی از آن در حقوق ایران لزوماً زوال عقد یا عقیم ماندن آن نیست، بلکه ممکن است بطلان عقد، انحلال آن یا حق فسخ برای طرف مقابل باشد. امروزه فراستریشن یکی از معاذیر قراردادی است (بنایی اسکویی، ۱۳۹۲: ۴۹).

در قراردادهای نفتی منعقد در کامن‌لا، در بند B ماده ۲۱ الگوی قراردادی استاندارد صنعت نفت و گاز فراساحلی انگلستان ۲۰۱۹، ذیل موضوع خسارات تبعی^۱ «از دست دادن و یا به تعویق انداختن تولید، از دست دادن محصول، از دست دادن استفاده، از دست دادن درآمد، سود یا سود پیش‌بینی شده (در صورت وجود)، در هر حالت خواه مستقیم یا غیرمستقیم باشد، تا حدی که این موارد در بند الف (خسارات تبعی یا غیرمستقیم براساس حقوق انگلستان) لحاظ نشده باشد و خواه در تاریخ مؤثر شروع قرارداد قابل پیش‌بینی باشد یا نه»، مشمول خسارات تبعی دانسته شده است که براساس این ماده، شرکت باید مسئولیت گروه پیمانکاران را نسبت به این خسارات بپذیرد و این خسارات را از راه‌های مختلف کاهش داده یا

1. CONSEQUENTIAL LOSS

جبران نماید یا بیمه کند. در این قرارداد، موارد خاتمه قرارداد^۱ در ماده ۲۴ قرارداد در دو بخش: خاتمه از سوی شرکت و خاتمه از طریق پیمانکار به صراحت بیان شده است که در مصادیق ذکر شده، می‌توان مواردی را یافت که به صورت غیرمستقیم به حوادث عقیم‌کننده قرارداد یا هدف آن اشاره می‌کند. به سخن دیگر، در این قرارداد، حادثه عقیم‌کننده قرارداد به‌عنوان مصداقی از عوامل خاتمه قرارداد به رسمیت شناخته شده است. در این قرارداد، تأثیر حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی بر حیات قرارداد و حقوق و تعهدات طرفین در قالب شرط فورس‌ماژور درج شده است.

در رویه قضایی انگلستان نیز می‌توان مواردی از قراردادهای نفتی را یافت که به علت وقوع وقایع عقیم‌کننده، خاتمه یافته و دکتترین عقیم شدن قراردادها درباره آن‌ها اعمال شده است. دعوی شرکت بی.پی علیه هانت^۲ یکی از این دعاوی است. این قرارداد مرتبط با موضوع خاتمه قرارداد ناشی از تحمیل محدودیت‌های دولتی و حکومتی است. قرارداد موضوع دعوی در سال ۱۹۶۰ بین شخص صاحب امتیاز به نام هانت و شرکت بی.پی منعقد شده بود. در اجرای قرارداد، طرفین قرارداد امتیازی که برای توسعه مشترک یک میدان نفتی (سریر) در لیبی منعقد شده بود، به علت تغییر حاکمیت در لیبی و روی کار آمدن معمر قذافی^۳ و اقدام به ملی‌سازی^۴ منابع نفتی از سوی وی در سال ۱۹۷۱، از ایفای تعهدات قانونی خود منع شدند و مجبور به ترک منطقه قراردادی شدند. پس از اعلام شکایت از سوی شرکت بی.پی، قاضی^۵ در این پرونده مقرر داشت که قرارداد در سال ۱۹۷۱ عقیم شده است و شرکت بی.پی براساس ماده ۱ (۳) قانون اصلاح قراردادهای عقیم‌شده (مصوب ۱۹۴۳) مستحق دریافت خسارات وارده شده به وی تا زمان خاتمه قرارداد است (Firoozmand, 2006: 110). در دعوی دیگری که درباره قرارداد اجاره نفتی در ایالت داکوتای شمالی^۶ در آمریکا طرح شده بود، اجاره‌کننده معتقد بود که دستور مقامات ایالتی در مورد لزوم رعایت مطالعات امکان‌سنجی زیست‌محیطی و الزام اجاره‌کننده به رعایت مقررات زیست‌محیطی در اثنای قرارداد، سبب ایجاد وقفه در انجام فعالیت‌های حفاری و افزایش مدت قرارداد شده است و بنابراین از آنجاکه در عمل دستیابی به هدف قراردادی مشخص شده، در مدت زمان توافق شده در قرارداد، در اثر صدور دستور مقامات ایالتی از بین رفته است، براساس دکتترین عقیم شدن هدف قرارداد، قرارداد خودبه‌خود خاتمه می‌یابد و اجاره‌کننده مسئولیت قراردادی نخواهد داشت و باید مدت قرارداد

-
1. Termination of contract
 2. BP exploration co (Libya) Ltd v Hunt (No2).
 3. Muammar gaddafi
 4. Nationalization
 5. Robert goff
 6. Aukema v. Chesapeake Appalachia

برای انجام فعالیت موضوع قرارداد تمدید گردد. دادگاه درخواست خواهان را با این استدلال که دستور ایالتی قابل پیش‌بینی بوده است، رد نمود و بیان کرد که: «برای تحقق دکترین و دفاع عقیم شدن قرارداد، واقعه عقیم‌کننده باید یک واقعه کاملاً فاجعه‌آور و غیرقابل پیش‌بینی باشد که قرارداد اجاره را کاملاً بی‌ارزش نماید» و از آنجاکه قوانین و مقررات مربوط به بازرسی زیست‌محیطی در هنگام اجرای قرارداد اجاره نیز وجود داشت، دادگاه مقرر کرد: «قابل پیش‌بینی بود که استفاده از یک روش غیرمعارف و خاص حفاری، نیازمند بازرسی زیست‌محیطی مجدد می‌باشد». فرض بر این است که طرفین قرارداد با علم و آگاهی نسبت به کلیه قوانین، مقررات و الزامات ایالت محل اجرای قرارداد اجاره، مربوط به فرایند بازرسی زیست‌محیطی، قرارداد بسته‌اند و احتمال چنین بازرسی‌هایی قابل پیش‌بینی بوده است (JOSHUA, 2013: 225). در قراردادهای نفتی ایران، شرط فورس‌ماژور در اکثر قراردادها ذکر می‌شود. در این شرط، حوادث خارجی، غیرقابل کنترل و غیرقابل پیش‌بینی، حسب مورد سبب تعلیق، حق فسخ و خاتمه قرارداد می‌گردد.

۲. شرایط لازم برای تحقق عقیم شدن قرارداد در قراردادهای بالادستی ایران و کامن‌لا

دکترین عقیم شدن قراردادها در یک نگاه کلی دارای شرایطی است که موجب به وجود آمدن آثار خاص و سقوط تعهد و از بین رفتن مسئولیت متعهد می‌گردد و در نتیجه، عدم امکان ایفای تعهد از سوی متعهد را موجه می‌نماید. درباره قراردادهای نفتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق قراردادهای تجاری بین‌المللی، باید شرایط زیر برای اعمال دکترین عقیم شدن قراردادها محقق و احراز گردد:

۲.۱. خارجی بودن حادثه

این شرط مرتبط با عامل و دلیل ایجاد واقعه یا تعذر است؛ بدین معنا که تعذر محقق شده نباید به واسطه خود متعهد ایجاد شده باشد. هم‌چنین سببی که علت ناممکن شدن عقد و عدم امکان ایفای تعهدات ناشی از آن می‌گردد، نباید قابل انتساب به متعهد باشد؛ وگرنه نامبرده همچنان مسئول عدم ایفای عقد باقی خواهد ماند و قابلیت استناد به دکترین عقیم شدن قرارداد از وی سلب خواهد گردید. در حقوق ایران چنین شرطی از ماده ۲۲۷ قانون مدنی استخراج می‌شود. برخی از حقوق‌دانان در توضیح وصف خارجی بودن، بر آنند که حادثه‌ای خارجی محسوب می‌شود که خارج از اقتدار متعهد باشد. هم‌چنین این گروه، وصف داخلی یا خارجی بودن را مهم نمی‌دانند، بلکه مهم از نظر آنان، قابلیت انتساب حادثه به متعهد است و به تعبیر قانون مدنی، حادثه باید چنان باشد که نتوان آن را به متعهد مربوط کرد. آنچه در حقوق امروز درباره

ضابطه خارجی بودن حادثه پذیرفته شده است، عدم قابلیت استناد وقوع تعذر به متعهد یا استنادکننده به حادثه عقیم‌کننده قرارداد است. در قراردادهای نفتی نیز این ضابطه ضروری است. در قرارداد مدل امتیازی برای نواحی ساحلی پاکستان سال ۲۰۰۹، یکی از شروط تحقق فورس‌ماژور، خارجی بودن حادثه دانسته شده است. در نظام حقوقی انگلستان نیز یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق دکترین عقیم شدن قراردادها، خارجی بودن حادثه رخ داده و عدم قابلیت انتساب این حادثه به طرفین قرارداد است. در همین راستا، برخی نویسندگان حقوقی کامن‌لا معتقدند چنانچه فراستریشن به واسطه تقصیر هریک از طرفین قرارداد ایجاد شده باشد، طرف مقصر نمی‌تواند مدعی عقیم شدن قرارداد گردد. در دعوی *J Lauritzen AS vs. Wijsmuller BV (The Super Servant Two)* [1990] این موضوع تأیید شده است. در این دعوی، خواندگان برای حمل متنه حفاری از طریق دریا قراردادی منعقد کرده بودند. آن‌ها برای حمل چنین مته‌ای دو شناور در اختیار داشتند (*the Super Servant One and the Super Servant Two*). در قرارداد، حق انتخاب بین شناورها به خواندگان داده شده بود. شناور *Super Servant Two* قبل از انجام قرارداد غرق شد. قبل از غرق شدن این شناور، خواندگان این کشتی را برای حمل متنه حفاری خواهان انتخاب کرده بودند و شناور *Super Servant One* به مأموریت دیگری اختصاص یافته بود. دادگاه چنین مقرر داشت که قرارداد به علت غرق شدن شناور *Super Servant two* عقیم و منتفی نمی‌شود؛ زیرا پس از غرق شدن شناور، خواندگان هنوز اختیار انجام موضوع قرارداد از طریق کشتی *Super Servant One* را داشتند. در دادگاه استیناف، لرد بینگام^۱ مقرر داشت: «فراستریشن نباید متکی و وابسته به تصمیم (هرچقدر هم معقول و تجاری باشد) طرفی باشد که به آن استناد می‌کند (Keenan, 2000: 219). در نظام حقوقی ایران در قراردادهای بیع متقابل، به ضابطه خارجی بودن حادثه غیرمترقبه توجه شده است و در قرارداد *IPC* نیز به ضرورت خارجی بودن حادثه اشاره شده است. در قرارداد بیع متقابل توسعه میدان گازی هالگان و سفیدباغون، این شرط این‌گونه بیان شده است: «هرگونه تأخیر یا عدم انجام تعهدات توسط یکی از طرفین قرارداد نباید براساس این قرارداد، به‌عنوان تقصیر شناخته شود و یا منجر به ادعای اعمال جرایم قراردادی علیه طرف مذکور گردد؛ اگر و تا حدودی که به واسطه مواردی خارج از کنترل طرف مذکور حاصل شده باشد».

۲.۲. اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه

یکی دیگر از شروط مهم که تحقق عقیم شدن قراردادها نیازمند آن است، «اجتناب‌ناپذیر بودن حادثه» است؛ بدین معنا که حادثه‌ای که اتفاق می‌افتد، باید دفع‌نشدنی و غیرقابل مقاومت^۱ باشد و نتوان در مقابلش ایستادگی کرد. بند یکم ماده ۲۹ قرارداد بیع متقابل نفتی سوسنگرد، درباره فورس‌ماژور به این ضابطه اشاره کرده است. این بند مقرر می‌دارد: «فورس‌ماژور عبارت از هرگونه شرایط یا حوادث فراتر از کنترل متعارف و معقول شرکت ملی نفت ایران یا پیمانکار است». در قراردادهای نفتی انگلستان و آمریکا، به این شرط با اصطلاح «فراتر از کنترل معقول طرفین^۲» اشاره شده است. در ماده ۱-۳۲ پیش‌نویس قرارداد آی.پی.سی نیز با عبارت «فراتر از کنترل معقول طرفین قراردادی»، به این ضابطه اشاره شده است. ملاک و ضابطه تشخیص غیرقابل اجتناب و غیرقابل کنترل بودن حادثه فورس‌ماژور در این قراردادها، ملاک نوعی و عرفی است؛ یعنی حادثه‌ای که با مراقبت و تلاش متعارف و معقول افراد، قابل پیشگیری نیست. به باور برخی از نویسندگان حقوقی، چنانچه امکان پیشگیری از حادثه و تعذر وجود داشته باشد، دیگر نمی‌توان طرفین قرارداد را مجاز به استناد به دکترین عقیم شدن قراردادها دانست. براساس نظر این گروه، عدم قابلیت احتراز و اجتناب و پیشگیری از وقوع حالت عقیم‌کننده در قرارداد، ضابطه خارجی و استثنا بودن این دکترین بر اصل الزام به قراردادها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. البته در این باره ملاک و ضابطه قابلیت اجتناب و احتراز، ضابطه نوعی و عمومی بوده و شرایط، کیفیات و عوامل مختلف شخصی و محیطی بر آن تأثیرگذار است.

۲.۳. غیرقابل پیش‌بینی بودن حادثه

این شرط بدان معناست که عارض شدن حادثه عقیم‌کننده در عرف به‌طور معقول غیرقابل پیش‌بینی باشد. در قراردادهای نفتی ایران، در برخی موارد مانند پیش‌نویس قرارداد IPC و قراردادهای بیع متقابل نسل سوم و قرارداد بیع متقابل میدان نفتی آذر، صراحتاً شرط عدم قابلیت پیش‌بینی در فورس‌ماژور ذکر شده است. در ماده ۱-۳۲ قرارداد آی.پی.سی، در تعریف فورس‌ماژور آمده است: «فورس‌ماژور هرگونه وضعیت یا حادثه غیرقابل پیش‌بینی است...». در ماده ۲۹ قرارداد بیع متقابل توسعه میدان نفتی آذر مقرر شده است: «فورس‌ماژور به معنای شرایط و حوادثی است که خارج از کنترل متعارف و غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب توسط شخصی باشد که ادعای متأثر شدن از این حادثه را دارد».

1. Irresistible
2. Beyond reasonable control of parties

در حقوق انگلستان بسیاری از نویسندگان شرط غیرقابل پیش‌بینی بودن را برای تحقق عقیم شدن قرارداد ضروری دانسته‌اند (Benjamin, 1997: 426). یکی از نویسندگان بیان می‌دارد که در نظام حقوقی استرالیا، مانند نظام حقوقی انگلستان که از حقوق کامن‌لا تبعیت می‌کند، واقعه‌ای سبب عقیم شدن قرارداد می‌شود که غیرقابل پیش‌بینی باشد.^۱

مؤسسه بازنویسی حقوق آمریکا در بخش ۲۶۱ مبحث قراردادهای درباره «غیرممکن شدن اجرای قرارداد» و نیز در بخش ۲۶۵ در «انتفای مبتنی بر حوادث غیرمترقبه» مقرر می‌دارد که هرگاه پس از انعقاد قرارداد، بدون قصور یکی از طرفین، وضعیتی پیش آید که عدم حدوث آن، فرض بنیادین قرارداد است (Lesguillons, 1997: 209). به طوری که اجرای قرارداد ناممکن و یا اساساً هدف منعقدکننده آن منتفی گردد، آن طرف از اجرای قرارداد مبرا می‌شود؛ مگر این‌که مفاد قرارداد یا اوضاع و احوال، ترتیب دیگری را مقرر دارد (William, 1990: 18). با توجه به مطالب بالا، به نظر می‌رسد برای استناد به دکترین عقیم شدن قراردادهای در حقوق ایران و انگلستان، تحقق شروط بیان‌شده، لازم است (شعبانی و برادران، ۱۳۹۲: ۸۲).

۳. آثار و ضمانت اجرای عقیم شدن قرارداد در قراردادهای بالادستی ایران و کامن لا

در صورت اجتماع شرایط لازم برای عقیم شدن قرارداد و تحقق نظریه مذکور، اجرای این دکترین، آثار و ضمانت اجرای قراردادی درباره حقوق و تعهدات طرفین قرارداد در پی خواهد داشت که مهم‌ترین آن‌ها از قرار زیر است:

۳.۱. معافیت متعهد از مسئولیت

در حقوق کامن‌لا، اثر عقیم شدن قرارداد، خاتمه قرارداد به طور خودکار^۲ است و طرفین از انجام تعهدات خود معاف شده، در قبال خسارات وارده در نتیجه عدم اجرا هیچ مسئولیتی نخواهند داشت. هنگامی که حادثه‌ای به وجود می‌آید و با فراهم بودن سایر شرایط، عقیم شدن قرارداد رخ می‌دهد، هر دو طرف از انجام تعهدات خود از لحظه عقیم شدن قرارداد معاف می‌شوند. در نظام حقوقی کشور مذکور، اصلی‌ترین اثر تحقق تعذر، منحل شدن قرارداد است و در نتیجه انحلال قرارداد، متعهد از مسئولیت معاف خواهد شد. هرچند که برخی از حقوق‌دانان با چنین نتیجه‌ای به طور مطلق موافق نیستند و گاهی اعطای حق فسخ را بر انحلال قرارداد ترجیح می‌دهند. گفتنی است که انحلال قرارداد در حقوق انگلستان قهری بوده و نیازی

1. <https://www.bakermckenzie.com/en/insight/publications/2020/03/force-majeure-doctrine-of-frustration>

2. Automatic termination of contract

به استناد متعاقدين به انحلال قرارداد و معافیت متعهد از مسئولیت نیست. مهم‌ترین اثر عقیم شدن قرارداد، آن است که قرارداد را نسبت به آینده به پایان می‌رساند، اما آن را از ابتدا باطل نمی‌کند. بنابراین در کامن‌لا، حقوق و مسئولیت‌های طرفین که مربوط به زمان قبل از واقعه عقیم‌کننده است، حفظ می‌شود و بدین ترتیب «ضرر در همان جایی که وارد شده است، استقرار می‌یابد»^۱ (میرمحمدصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶۸). در این باره می‌توان به دعوی شرکت نفتی بی.پی علیه هانت اشاره کرد.^۲ شرکت بی.پی قرارداد امتیازی نفتی با هانت منعقد می‌کند که به موجب آن، شرکت بی.پی متعهد می‌شود به هزینه خود، اکتشاف و توسعه منطقه امتیازی خود را در لیبی انجام دهد و پس از شروع تولید، طرفین در هزینه‌های تولید و توسعه سهم و شریک شوند. نفت در سال ۱۹۶۷ به مرحله تولید رسید، ولی دولت لیبی در سال ۱۹۷۱ منافع شرکت لیبی را توقیف و مصادره کرد. شرکت بی.پی هنوز همه سهم خود از هزینه‌های متحمل شده اولیه را دریافت نکرده بود و بر مبنای بخش اول قانون اصلاح حقوق قراردادهای عقیم‌شده ۱۹۴۳، درخواست قیمت عادلانه نمود. شرکت بی.پی چنین ادعا کرد که قرارداد به علت توقیف و مصادره اموال این شرکت عقیم شده است و این شرکت مستحق دریافت مبالغ مقرر براساس بخش یک قانون یادشده است. در مقابل، هانت چنین ادعا نمود که قرارداد تحت حاکمیت قانون انگلستان نبوده است که عقیم گردد. و قانون اصلاح حقوق قراردادهای عقیم‌شده قابل اعمال نیست. هانت هم‌چنین ادعا کرد حتی اگر قرارداد عقیم شده باشد، شرکت بی.پی عواید و سود ارزشمندی از قرارداد دریافت کرده است. شرکت بی.پی در مقابل، براساس قانون ۱۹۴۳، مبلغ کامل را درخواست کرد (Osadare, 2009: 97). دادگاه چنین مقرر داشت: «قرارداد در سال ۱۹۷۱ عقیم شده است. در تاریخ عقیم شدن قرارداد، هانت در اثر اجرای تعهدات از سوی شرکت بی.پی، منفعی را دریافت نموده است و این مبلغ باید مورد محاسبه قرار گیرد. هم‌چنین جبران خسارت صورت‌گرفته از سوی هانت در هنگام محاسبه مبلغ قابل پرداخت به بی.پی، باید مورد لحاظ قرار گیرد. نهایتاً مقرر شد شرکت بی.پی باید ۳۵ میلیون دریافت کند».

در عمده قراردادهای بیع متقابل نفتی منعقدشده در صنعت نفت و گاز ایران و هم‌چنین قرارداد IPC این شرط به چشم می‌خورد: «هیچ تقصیر یا ترک فعلی از ناحیه هریک از طرفین در اجرا یا انجام هریک از شرایط این قرارداد، به طرف دیگر حق طرح ادعا علیه طرف مذکور را نمی‌دهد و یا نقض قرارداد تلقی نخواهد شد، هنگامی که قصور یا ترک فعل مزبور ناشی از فورس‌ماژور باشد». مطابق مواد ۲۱۹ و ۲۲۰ قانون مدنی ایران، متعهد ملزم به ایفای تعهداتی است که به موجب عقود برعهده می‌گیرد و تبعاً با توجه به اصل لزوم و تقدس قراردادها بدون

1. The loss lies where it falls.

2. BP Exploration Co (Libya) Ltd v Hunt (No. 2) [1979] 1 WLR 783.

وجود مجوز قانونی حق سر باز زدن از ایفای تعهدات مذکور را نخواهد داشت؛ در غیر این صورت متخلف از قرارداد محسوب شده و به موجب ماده ۲۲۱ قانون مدنی موظف به جبران خسارات ناشی از این عهدشکنی خواهد بود؛ مگر این‌که برای عهدشکنی محقق‌شده عذر معاف‌کننده قانونی ارائه کند. به سخن دیگر، در این فرض متعهد برای فرار از مسئولیت لزوماً می‌بایست قوه قاهره را اثبات کند و در این صورت نامبرده مسئولیتی از باب عدم ایفای تعهد ندارد. در نهایت با توجه به مطالب پیش‌گفته می‌توان اذعان نمود که در حقوق ایران، اگر ایفای تعهد ناممکن گردد، مطابق مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی، متعهد معاف از مسئولیت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۵۴).

۳.۲. انحلال قرارداد

درباره اثر و ضمانت اجرای فراستریشن در حقوق انگلستان، براساس نظر قاضی لرد سایمون، «وقتی عقیم شدن قرارداد به معنای حقوقی آن رخ می‌دهد، مفهوم آن صرفاً ایجاد یک وسیله دفاعی برای یکی از طرفین، در مقابل طرف دیگری که اقامه دعوی نموده، نیست، بلکه عقیم شدن قرارداد، خود قرارداد را منتفی کرده و آن را از بین می‌برد و تعهدات طرفین به‌خودی‌خود ساقط می‌گردد» (Eriksen, 2004: 56). بنابراین از روزی که قرارداد عقیم می‌شود، در واقع ملغی شده محسوب می‌گردد؛ یعنی مسئولیت طرفین نسبت به اجرای قرارداد در آینده ساقط می‌شود (Gritsenko, 2014: 61). در حقوق این کشور، در سال ۱۹۴۳ قانونی به نام «اصلاح حقوق قراردادهای عقیم شده»^۱ تصویب شد که به موجب شق دوم بخش اول این قانون، تمامی مبالغی که در اجرای قرارداد و قبل از انحلال آن پرداخت شده بود، قابل استرداد شد و چنانچه پولی در این زمان قابل پرداخت بوده، ضرورت پرداخت آن منتفی می‌گردد (Trackman, 2007: 18). در قراردادهای نفتی آمریکا، در این شرایط در اکثر قراردادهای، شرط مذاکره مجدد^۲ پیش‌بینی می‌گردد؛ برای نمونه، در ماده ۲۶ قرارداد اجاره ایالت اوکلاهاما که با کمی تغییرات در قراردادهای ایالات دیگر نیز مورد اشاره قرار گرفته، در این‌باره چنین آمده است: «اگر در نتیجه رویداد فورس‌ماژور، عملیات نفتی یا حقوق و تعهدات قراردادی این قرارداد بیش‌تر از دوازده ماه متوالی از زمان اعلامیه فورس‌ماژور، معلق گردد، طرفین باید با حسن‌نیت در خصوص ادامه یا خاتمه قرارداد مذاکره نمایند. اگر ظرف دوازده ماه از تاریخ: (۱) اعلامیه فورس‌ماژور؛ (۲) شروع مذاکرات اشاره‌شده، توافقی حاصل نشود، اجاره‌دهنده یا اجاره‌گیرنده

1. The law reform (frustration contracts) Act 1943.

2. Renegotiation

ممکن است اعلامیه خاتمه قرارداد را به طرف دیگر بدهد که این اعلامیه باید ظرف شش ماه از تاریخ صدور چنین اعلامیه‌ای مؤثر و اجرایی گردد» (Saad Alhowaimil, 2013: 280). در حقوق ایران با توجه به انواع مختلف تعذر، به اعتبار نوع تعذر محقق شده، اثرات مختلفی نیز به بار خواهد آمد:

۱. در صورتی که تعذر دائمی و مطلق باشد، باعث انحلال قهری قرارداد خواهد شد؛
۲. در صورتی که تعذر نسبی یا موقت باشد، الزاماً موجب انحلال قرارداد نمی‌شود و در برخی مواقع موجب تعلیق موقت اجرا می‌گردد؛
۳. در صورتی که تعذر جزئی باشد، موجب انفساخ در جزء متعذر و باقی ماندن تعهد نسبت به جزء ممکن می‌شود.

در نظام حقوقی ایران، در قراردادهای نفتی، با توجه به ماهیت و ویژگی‌های خاص این قراردادها، ایجاد مانع دائمی به واسطه فورس‌ماژور یا حوادث متعذرکننده دیگر، سبب ایجاد حق فسخ قرارداد برای طرفین می‌گردد. ماده ۲۹ قرارداد توسعه میدان نفتی سوسنگرد در این باره مقرر می‌دارد: «وقتی که تعهدات قراردادی به واسطه فورس‌ماژور برای مدت بیش از هجده ماه معلق می‌گردد، هریک از طرفین قرارداد می‌توانند طی اعلامیه‌ای کتبی به طرف دیگر، قرارداد را خاتمه دهند. در این صورت جز در مواردی که در این قرارداد مشخص شده است، تعهدی نسبت به طرف دیگر نخواهند داشت». در ماده ۶۲ قرارداد توسعه میدان گازی هالگان و سفیدباغون، ماده ۲۹ قرارداد توسعه میدان نفتی آذر، ماده ۲۹ قرارداد توسعه میدان نفتی دورود، ماده ۳۲ قرارداد IPC و بسیاری از قراردادهای بیع متقابل ایران، این شرط عیناً تکرار شده است.

نتیجه

در این تحقیق، موضوع عقیم شدن قراردادها در قراردادهای بالادستی نفت و گاز به‌عنوان یک عذر قراردادی در دو نظام قراردادی ایران و کامن‌لا مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفت. عذر قراردادی عقیم شدن یا انتفای قرارداد به‌عنوان یک عذر اصلی و مختص نظام حقوقی کامن‌لا، به صورت عمومی بر قراردادهای منعقد در صنعت نفت و گاز این کشور حاکم است. به سخن دیگر، حتی در صورت درج شرط فورس‌ماژور در قراردادهای نفتی کامن‌لا، می‌توان در صورت لزوم به عقیم شدن قرارداد به‌عنوان یک دفاع یا عذر استناد کرد. در نظام حقوقی ایران، عذر قراردادی مذکور به صورتی که در کامن‌لا معرفی شده، وجود ندارد و فقط برخی آثار، احکام و مصادیق آن در برخی قوانین، مقررات و قراردادهای ایران ذکر شده است. در برخی از دعاوی مطروحه در نظام حقوقی کامن‌لا، به‌منظور خاتمه دادن به قراردادهای نفتی به این عذر قراردادی استناد شده است. اما رویه قضایی کشورهای این نظام حقوقی نشان می‌دهد که

دادگاه‌ها تمایل چندانی به استفاده از این عذر قراردادی برای خاتمه قراردادهای نفتی ندارند و در عمل از این عذر قراردادی استفاده چندانی نمی‌شود.

نکته مهم درباره استفاده از این نظریه در قراردادهای نفتی، آن است که اعمال تنها ضمانت اجرای این دکترین - یعنی زوال قهری قرارداد- با ماهیت و ذات قراردادهای بالادستی نفت و گاز که استمرار و اجرای تعهدات طرفین قرارداد در طول زمان و ثبات و قوام این قراردادها از اهمیت بالایی برخوردار است، در بسیاری از موارد منافات دارد و نمی‌توان به صرف وقوع برخی حوادث عقیم‌کننده، قرارداد را خاتمه‌یافته تلقی کرد، بلکه باید حسب مورد از ضمانت اجرای گوناگون مانند تعلیق قرارداد، مذاکره مجدد و اصلاح یا تعدیل قرارداد و اعطای حق فسخ قرارداد به طرفین و پیش‌بینی سازوکار جبران خسارت آنان و در واقع توزیع خسارات بین آن‌ها بهره برد. در قراردادهای نفتی ایران نیز در صورت وقوع معاذیر قراردادی، ابتدا قرارداد معلق شده و در صورت استمرار عذر یا مانع، طرفین قرارداد، حق خاتمه دادن به آن را خواهند داشت. با توجه به نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد در تدوین قراردادهای بالادستی نفتی ایران در شرط فورس ماژور به مصادیق عقیم شدن قراردادها، از جمله عدم امکان اجرای قرارداد یا منتفی شدن هدف آن اشاره گردد و ضمانت اجرای متناسب با این عذر قراردادی پیش‌بینی شود. پیشنهاد دیگر این است که از طریق درج روش‌های قانونی متناسب مانند مذاکره مجدد قراردادی، در صورت بروز مواردی که می‌تواند از مصادیق عقیم شدن قراردادها باشد، از خاتمه قرارداد و تحمیل خسارت زیاد بر شرکت ملی نفت ایران جلوگیری گردد. در این باره با توجه به تخصصی بودن عملیات فنی موضوع قراردادهای نفتی، هرگونه ادعا در خصوص عقیم شدن قرارداد باید توسط کارشناسان منتخب طرفین یا در صورت لزوم کارشناسان دیگر بررسی گردد و در صورت اثبات وقوع حوادث غیرمترقبه، مانند وقایع عقیم‌کننده قرارداد، به سازوکارهای توزیع خسارت بین طرفین توجه ویژه شود و مفاد و شرایط قراردادها به گونه‌ای تنظیم گردد که در صورت بروز این وقایع، خسارات ایجادشده ارزیابی و بین طرفین قرارداد تسهیم گردد.

نکته مهم‌تر، پیشگیری از وقوع حوادثی است که سبب عقیم شدن یا انتفای هدف قرارداد می‌گردد. در قراردادهای نفتی می‌توان با انجام بررسی‌های دقیق و انتخاب شرکت‌های دارای صلاحیت براساس شاخصه‌های فنی، مالی، اقتصادی و نیز تقویت نظارت بر آن‌ها در طول اجرای قرارداد، تحلیل ریسکی دقیق و مستمر قرارداد و شناسایی و برطرف نمودن موانع بالقوه یا احتمالی که اجرای تعهدات قراردادی را با وقفه، محدودیت یا مانع روبه‌رو می‌سازد و نیز استفاده از ابزارهایی مانند پوشش بیمه‌ای، تا اندازه زیادی از وقوع حوادث متعذرکننده قرارداد جلوگیری کرد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی

۱. آقای، بهمن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوقی بهمن (انگلیسی-فارسی). تهران، کتابخانه گنج دانش.
۲. بنایی اسکویی، مجید (۱۳۹۲). «تعدیل قرارداد در صورت حدوث تعدر مالی». *مجله مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره چهارم، شماره ۱، ص ۴۱-۶۱. https://jcl.ut.ac.ir/article_35229.html (۱۵ دی ۱۴۰۰)
۳. شعبانی، امید؛ لعیا برادران (۱۳۹۲). «دکترین عقیم شدن قراردادها در حقوق انگلستان و ایران». *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، دوره نهم، شماره ۱، ص ۷۹-۹۶.
۴. فرخانی، هدایت؛ سید نصرالله ابراهیمی؛ ساحله حمزه‌نهاد (۱۴۰۰). «تغییر بنیادین اوضاع و احوال در قراردادهای اداری: مطالعه موردی قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز ایران و کامن‌لا». *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، سال سوم، شماره هشتم، ص ۶۵-۹۰.
۵. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱). *الزام‌های خارج از قرارداد: مسئولیت مدنی*. جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۶. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۷۷). *مروری بر حقوق قراردادها در انگلستان*. تهران، نشر حقوقدان.

ب) خارجی

7. Benjamin's (1997). *Sale of Goods*. board of editors, 5th ed., Sweet & Maxwell, London. <https://www.intechopen.com/chapters/73027> (Accessed 28 October 2022).
8. Firoozmand, Mahmoud Reza (2006). "the impact of supervening events on the performance of contractual obligations: the concept of force majeure in international petroleum contracts". *PhD thesis, university of Dundee*. <https://ethos.bl.uk/OrderDetails.do?uin=uk.bl.ethos.569185> (Accessed 18 February 2022).
9. Garner, B (2004). *Black's law dictionary*. 1st edition, Dallas: Thomson west. <https://thelawdictionary.org> (Accessed 28 June 2022).
10. Haim .S (2003). *Farhang Moaser, Dictionry (in one Volume)*. Edited in the Reserch unit, Farhang Moaser, Tehran.
11. Saad Alhowaimil, Ibrahim (2013). "Frustration of Performance of Contracts: A comparative and Analytic Study in Islamic Law and English Law". *Thesis for the Degree of Doctor of Law*, Brunel University School of Law.
12. Southerington, Tom (2001). *Impossibility of Performance and Other Excuses in International Trade*. Turkey: Faculty of Law of University of Turkey Private Law Publication.
13. Treitel (1989). *An outline of the law of contract, Butterworth's*. 4th ed, London. <https://lawcat.berkeley.edu/record/155743?ln=en> (Accessed 5 November 2022).
14. Eriksen, Eivind (2004). "Terrorism and Force Majeure in International Contracts". *Bond Law Review*, Issue 2, Vol .16. p 69-158. https://www.vgls.vic.gov.au/client/en_AU/VGLS-public/search/detailnonmodal/ent. (Accessed 15 October 2022).
15. Gritsenko, Maria (2014). *sanction, force majeure and frustration of contracts under English law*. Moscow: Bryne Cave.

16. Joshua A. Swanson (2013). "The Hand of God: Limiting the Impact of Force Majeure Clause in an Oil and Gas Lease". *North Dakota law review*, vol89. <https://commons.und.edu/ndlr/vol89/iss2/2>. p12-64 (Accessed 13 May 2022).
17. Keenan, D (2000). *Advanced Business Law*. 11th ed. Pearson, Harlow.
18. Litvinof, Saul (1985). "Force Majeure, Failure of Cause and Thorie de l'Imprévision: Louisiana Law and Beyond". *Louisiana Law Review*, Volume 46, No 1, p10-64. <https://digitalcommons.law.lsu.edu/lalrev/vol46/iss1/3> (Accessed 18 February 2022).
19. Osadare, Babatunde (2009). *FORCE MAJEURE AND THE RFORMANCE EXCUSE: A REVIEW OF THE ENGLISH DOCTRINE OF FRUSTRATION AND ARTICLE 2-615 OF THE UNIFORM COMMERCIAL CODE*. university of Dundee.
20. Trackman Dean, Leon E (2007). "Declaring Force Majeure: Veracity or Sham?". *The Journal of Selected Works*, Be press. <https://www.semanticscholar.org/paper/Declaring-Force-Majeure%3A-Veracity-or-Sham-Trakman/5886998a048798636ccfafd05eabd1618e5505af> (Accessed 24 April 2022).
21. W. melryde, William (1990). "Frustration of Contract". London, *Juridical Review*, Vol.25. <https://www.jstor.org/stable/4507636> (Accessed 11 June 2022).






Comparative Study of Frustration of Contracts in Upstream Oil and Gas Contracts in Iran and Common-law Legal Systems

Hedayat Farkhani 

*PhD of oil and gas law, faculty of law and political science, university of
Tehran, Tehran, Iran*

Majid Ghorbani Lachovani* 

*Assistant professor, law department, Tehran Faculty of Petroleum,
Petroleum University of Technology, Tehran, Iran*

Sepide Assarian 

*MA in private law, faculty of law, Persian Gulf International Education
Center, khoramshahr.*

Abstract

Upstream oil and gas contracts are of the most important public contracts that have technical, economic, social, legal, financial, political and environmental aspects and are concluded for investing in and oil operations in exploration, development and production. The contract may be hindered or stopped because of contractual excuses. In this study, by studying the upstream oil contracts in the Iranian legal system and common-law, we have examined the frustration of the contract from the perspective of concept and basis, conditions and effects and guarantee of the performance of this excuse. The results show that frustration of the contract is recognized as the most important contractual excuse in the upstream contracts concluded in the common-law legal system. In the Iranian legal system, the frustration of contracts is not recognized with terms and characteristics of the common law system, but examples can be found that are similar to contractual excuses in the upstream contracts of the oil and gas industry. The nature and special features of these contracts make the legal management of the contract to be the main priority of the parties to continue the life of the contract and the effects and guarantees of contract frustration are adjusted according to the specific characteristics of these contracts and different forms of general non-oil contracts.

Keywords

Frustration, Upstream contracts, Oil and gas industry, Contractual excuses, Termination of contract.

* Corresponding Author
Received: 24 April 2022 , Accepted: 9 January 2023

Email: m.ghorbani@put.ac.ir
© University of Tehran

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.

